خبر

سهم ۷۰ درصدی چینی‌ها از بازار چادر و روسری

● **ایسنا:** ایران یکی از مصرف‌کنندگان چادر و روسری است که حجم عمده آن نیز از خارج از ایران تأمین می‌شود، اما از بازار ۸۷۰ میلیونی چادر و روسری وارداتی ایران سهم چینی‌ها چیزی حدود ۷۰درصد است. درحالی‌که سال گذشته زمزمه‌هایی از تولید چادر مشکی ایرانی به گوش می‌رسید، طی ماه‌های گذشته واردات شال، چادر، روسری و مقنعه مجموعا به بیش از صدتن رسید. به‌این‌ترتیب در نیمه نخست امسال نزدیک به ۸۷۴ میلیون تومان چادر مشکی و روسری تنها از مبادی رسمی به ایران وارد شده. آمارهای گمرکی نشان می‌دهد که ارزش مجموع ۱۰۵ تن چادر و روسری واردشده به کشور به حدود ۳۰۰ هزار دلار یعنی چیزی نزدیک به ۸۷۴ میلیون تومان می‌رسد. ایران در این مدت مجموعا از هشت کشور شامل آلمان، اسپانیا، امارات، ایتالیا، ترکیه، فرانسه، فنلاند و چین چادر و روسری خریداری کرده است. اما بیشترین سهم در بازار چادر و روسری ایران متعلق به چین است. این کشور تقریبا تمامی این بازار را در دست دارد و کشورهای دیگر حتی ترکیه و امارات نیز دراین‌بین سهمی ناچیز در مقابل چین دارند. آمارها نشان می‌دهد که در شش‌ماهه نخست امسال چین ۷۶.۵ تن چادر و روسری با ارزش مجموعا بیش از ۲۱۶ هزار دلار به ایران فروخته است. حجم واردات چادر و روسری از چین در مقایسه با کل واردات این محصول نشان می‌دهد که این کشور سهمی ۷۲ درصدی به لحاظ وزنی و ارزشی از بازار چادر و روسری وارداتی ایران دارد.

گذر

صادرات خودرو و نقش آن بر اقتصاد کلان کشور

● در هر کشوری رشد صادرات به دلیل تاثیر آن بر تجارت داخلی و پایداری اقتصادی، بسیار مهم است. علاوه‌برآن، نرخ رشد اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت وابسته به رشد صادرات است. رشد اقتصادی با صادرات محصولات، ارتباط مستقیمی دارد و اگر صادرات از واردات پیشی بگیرد کشور در مسیر پیشرفت و توسعه قرار می‌گیرد. از طرفی دیگر نبود ثبات و پایداری در امر صادرات، بر فرایند توسعه اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. صادرات کمتر در نهایت به ظرفیت خریدوفروش کمتر یک کشور منجر می‌شود. نوسان درآمد حاصله از محل صادرات، نشانه خوبی برای رشد اقتصادی نیست و بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. در کشور ما که عمده صادراتمان از محل فروش نفت و فراوردهای نفتی است، صادرات غیرنفتی اهمیت ویژه‌ای دارد. صنعت خودرو در سال‌های اخیر براساس شرایط خاص تحریم و نوسان در تیراژ تولید دچار نوسان در صادرات بوده است؛ به‌نحوی‌که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در برخی از سال‌ها رشد و در برخی از سال‌ها با افت صادرات خودرو روبه‌رو بوده‌ایم و این افت صادرات تحت‌تأثیر کاهش و افزایش تیراژ تولید خودروسازان بوده است؛ چنان‌که رشد صادرات ارتباط مستقیمی با افزایش تیراژ تولید دارد. از طرفی نیز برخی چالش‌های ایجادشده در فضای روانی و اجتماعی کشور درباره کیفیت محصولات خودرو و نبود استراتژی دقیق و تأثیرگذار در فضای رقابتی کشورهای هدف، باعث شده است صادرات خودرو دچار چالش و نوسان شود.

با وجود همه مشکلات دوران تحریم و شرایط نامساعد سال‌های اخیر در حوزه خودرو به نظر می‌رسد گروه خودروسازی سایپا در صادرات خودرو به نسبت خودروسازهای دیگر موفق‌تر عمل کرده است. اگرچه ارزش صادرات خودرو هنوز با شرایط آرمانی بسیار فاصله دارد، ولی بررسی روند صادرات سایپا در کشورهای هدف، به‌ویژه عراق و سوریه نشان می‌دهد سایپا با بررسی بازار هدف، تلاش می‌کند به نیازهای مشتریان بیشتر توجه کند. میزان مصرف سوخت، خدمات پس از فروش و در دسترس‌بودن قطعات و همچنین قیمت مناسب در فضای رقابتی باعث شده است از محصولات سایپا در عراق و سوریه استقبال خوبی شود. هدف‌گذاری سایپا برای سال ۹۴، صادرات ۳۵ هزار دستگاه است و در صورت خروج از رکود در بازار داخلی، به نظر می‌رسد صادرات خودرو با شتاب بیشتری ادامه یابد و با توجه به تنوع در محصولات سایپا این شرکت خودروسازی همچنان در صادرات خودرو پیشتاز خواهد بود. انتظار می‌رود مسئولان امر با توجه به نقش و تأثیر صادرات خودرو در اقتصاد کلان کشور، ضمن حمایت منطقی از خودروسازان داخلی، به‌ویژه در صادرات، به تسهیل در تولید و صادرات خودرو کمک کنند تا خودروسازهای داخلی در شرایط فعلی و فضای رقابتی نابرابر با خودروسازان دنیا در کشورهای هدف، موفق‌تر از قبل عمل کنند و شاهد تأثیر چشمگیر آنان در رشد اقتصادی کشور باشیم. صادرات خودرو علاوه بر رشد اقتصادی، به نوعی معرف قدرت، تکنولوژی و توسعه صنعتی کشور است و شایسته است در راستای اقتصاد مقاومتی یکایک ما به کمک صادرات غیرنفتی، به‌ویژه در حوزه خودرو بشتابیم.

قباد افشار از پشت‌پرده زمین‌خواری‌ها می‌گوید

شکایت از «دانشجو» برای زمین‌خواری لواسانات

شکوفه حبیب‌زاده: و باز هم زمین‌خواری؛ پدیده‌ای گسترده که بسیاری از ارگان‌های کشور را ربط‌وبی‌ربط درگیر خود کرده است، اما چرا این پدیده در ایران تا این حد زیاد شده است. شاید علت آن به گستردگی زمین در کشور و وجود متولیان بسیار برای رسیدگی به امور آن بازگردد. شاید هم ازدیاد این پدیده را در دولت‌های نهم و دهم بتوان به عزم دولت مهرورزی برای تخریب و تغییر کاربری نسبت داد، اما آنچه در این میان توجه را بسیار به خود جلب می‌کند، ردپاهایی است که در پرونده‌های درشت دیده می‌شود. قباد افشار، رئیس سازمان امور اراضی کشور که مهم‌ترین متولی مدیریت زمین در کشور محسوب می‌شود، در گفت‌وگویی با «شرق» به حضور کامران دانشجو، استاندار اسبق تهران، در زمین‌خواری لواسانات برای گسترش دانشگاه علم و صنعت خبر داد و به رد پای وزارت کشور در زمین‌خواری گسترده در دماوند اشاره کرد.

عکس: سازمان امور اراضی کشور

سازمان امور اراضی متولی برخورد با چه نوعی از زمین‌خواری است؟

سازمان امور اراضی کشور به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دستگاه‌های اجرائی متولی مدیریت زمین در کشور دارای چند مأموریت اساسی در این حوزه است که حفظ، ساماندهی و توسعه اراضی کشاورزی از جمله اهم این مأموریت‌هاست. در یکی، دودهه اخیر به دلایل متعدد، پدیده تغییر کاربری و ساخت‌وسازهای غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی تشدید شده است که این پدیده را می‌توان نوعی تخلف از نوع زمین‌خواری تلقی کرد. در تغییر کاربری و ساخت غیرمجاز، همان‌گونه که مقام معظم رهبری گفتند، تغییر کاربری غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی خسارتی غیرقابل جبران است و آقای رئیس‌جمهور تأکید کردند نباید اجازه دهیم زمین‌های کشاورزی به مسکن تبدیل شوند. قانون هم این را به ما تکلیف کرده است. بیشترین سوءاستفاده‌ها هم در این بخش است که افرادی با قیمت کم زمین کشاورزی را می‌خرند و بعد ساخت‌وساز می‌کنند و با ده‌ها برابر قیمت می‌فروشند. پدیده ویلاسازی در اطراف شهرها و مناطق خوش‌آب‌وهوا عمدتا در زمین‌های کشاورزی است. توسعه اراضی کشاورزی و اختصاص زمین از محل اراضی ملی و دولتی برای طرح‌های کشاورزی و غیرکشاورزی (صنعتی، خدماتی، گردشگری و...) و نظارت بر واگذاری اراضی ازجمله دیگر مأموریت‌ها و برنامه‌های سازمان است که به‌طور طبیعی سوءاستفاده از اراضی واگذاری، تصرف بیش از مساحت واگذارشده و عدم بهره‌برداری از این اراضی در کاربری تعیین‌شده نیز می‌تواند تخلف و زمین‌خواری محسوب شود که پیشگیری از بروز سوءاستفاده و تخلف در این بخش و اعمال نظارت قانونی بر واگذاری‌های انجام‌شده و برخورد با تخلفات احتمالی نیز بخشی از مأموریت سازمان امور اراضی است. در حوزه واگذاری‌ها تا سال ۹۲ نظارت دقیقی بر اجرای دقیق واگذاری‌های صورت‌گرفته انجام نمی‌شد که این موضوع طی دوسال اخیر به‌عنوان یک برنامه اساسی در دستور کار سازمان قرار گرفت و به‌شدت پیگیر این مسئله هستیم که بر همه زمین‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب واگذار شده نظارت کنیم و در صورت تخلف در بهره‌برداری از اراضی واگذاری از متخلفان خلع‌ید شده و آنها را مسترد کنیم.

تاکنون چند هکتار زمین واگذار شده است؟

طبق آمار طی ۳.۵ دهه گذشته حدود سه تا ۳/۵میلیون هکتار زمین واگذار شده است که سعی داریم تمامی این زمین‌ها را تحت‌نظارت خود درآوریم. به این دلیل در سال گذشته بر حدود ۶۵۰هزار هکتار از این زمین‌ها نظارت کردیم و امسال هم بنا داریم ۷۰۰هزار هکتار دیگر را تحت‌نظارت داشته باشیم. درواقع قصد داریم وضعیت بهره‌برداری و استفاده صحیح و قانونی از اراضی واگذاری از همه زمین‌های واگذارشده مطابق مجوزهای صادرشده را در یک دوره زمانی دو تا سه‌ساله یک‌بار مرور کنیم.

> **طبق آمار طی ۳.۵ دهه گذشته حدود سه تا ۳/۵ میلیون هکتار زمین واگذار شده است که سعی داریم تمامی این زمین‌ها را تحت‌نظارت خود درآوریم. به این دلیل در سال گذشته بر حدود ۶۵۰هزار هکتار از این زمین‌ها نظارت کردیم و امسال هم بنا داریم ۷۰۰هزار هکتار دیگر را تحت‌نظارت داشته باشیم. قصد داریم همه زمین‌های واگذارشده مطابق مجوزهای صادرشده را مرور کنیم**

آیا این واگذاری‌ها درست انجام گرفته؟

طبق آنچه که تابه‌حال بررسی کرده‌ایم در حدود ۴۰هزار هکتار از اراضی نظارت‌شده طرح‌ها به اجرا درنیامده و رأی بر فسخ واگذاری صادر شده است. حدود ۶۰هزار هکتار دیگر هم در مرحله اخطار و رسیدگی دقیق‌تر است. براساس قانون، برای ۴۰هزارهکتاری که باید به اراضی ملی برگردد، حدود ۸۵میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم که تاکنون منابع را دریافت نکرده‌ایم. البته این عدد در مقابل حجم کل اراضی واگذارشده و نظارت‌شده مبلغ ناچیزی است و درواقع در اکثر قابل‌توجهی از اراضی واگذاری درخصوص نحوه بهره‌برداری از زمین مطابق قانون و مجوز صادره عمل شده است. در حوزه تغییر کاربری‌ها حساسیت‌ها و مشکلاتمان بیشتر است. هرچند در هر دو بخش نظارت بر واگذاری‌ها و حفظ کاربری هم موانع و مقاومت‌هایی هست اما دولت با جدیت ما را حمایت می‌کند.

فشارها از جانب چه کسانی است؟

به‌هرحال کسی که ۱۰، ۱۵ سال زمین را در اختیار داشته و سرمایه‌گذاری هم کرده به‌راحتی حاضر به پس‌دادن زمین نیست. هرچند از نظر ما کسانی که در زمینی که در اختیار گرفته کار و تولید نکرده و اقدامات انجام‌شده‌شان با گذشت زمانی طولانی منجر به فعالیت و تولید نشده، سرمایه‌گذار به حساب نمی‌آیند، اما به‌هرحال این‌گونه افرادی که زمین دریافت کرده‌اند، شکایت می‌کنند یا در مکاتبات خود را به‌عنوان سرمایه‌گذار معرفی می‌کنند که تشخیص سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان واقعی از این‌گونه افراد معمولا کار سختی است.

تغییر کاربری‌ها اغلب در چه مناطقی و حریم کدام شهرها صورت می‌گیرد؟

به‌طورکلی حوزه نفوذ تهران و دیگر کلان‌شهرها بیش از سایر مناطق کشور در معرض تهدید است. در اطراف تهران، لواسانات، دماوند، شهریار، شمال ایران، غرب استان البرز و به‌طورکلی در مناطق خوش‌آب‌وهوای اطراف همه کلان‌شهرهای کشور، ساخت‌وسازها به زمین‌های کشاورزی فشار وارد می‌کند. این‌گونه متخلفان هم مزارع، باغ‌ها و به‌طورکلی تولید کشاورزی را از بین می‌برند، هم آب را از سایر کشاورزان دریغ می‌کنند. علاوه‌براین ساخت‌وسازهای غیرمجاز و ایجاد سکونتگاه‌های خارج از شهر و روستا باعث اشکال در ارائه خدمات زیربنایی و نیز تأمین امنیت می‌شود.

این‌گونه افراد گاهی ادعا می‌کنند که از برخی دستگاه‌ها مانند دهیاری‌ها مجوز ساخت‌وساز دارند!

بله متأسفانه در مواردی بخشداری‌ها و دهیاری‌ها خارج از طرح هادی و بافت مسکونی روستا پروانه صادر می‌کنند که به‌عنوان نمونه می‌توان به روستاهای حیران، زیارت و روستاهای واقع در مناطق مختلف استان‌های شمالی کشور یا اطراف تهران، کرج، مشهد و... اشاره کرد. از طرفی دستگاه‌های خدمات‌رسان، آب و برق و گاز به این‌گونه ساخت‌وسازهای غیرمجاز می‌دهند، درحالی‌که طبق قانون، ارائه مجوز برای ساخت‌وساز در اراضی کشاورزی یا ارائه خدمات زیربنایی مانند آب و برق به این‌گونه مستحدثات ممنوع است و پیگرد قانونی دارد. به‌طورکلی هرکسی بعد از سال ۸۵ زمین‌های کشاورزی را تغییر کاربری دهد و بدون اجازه سازمان جهاد کشاورزی در استان ساخت‌وساز کند، متخلف بوده و بنای ساخته‌شده غیرمجاز است و باید تخریب شود. همچنین طبق همین قانون باید هم با فرد متخلف و هم با دستگاهی که به‌صورت غیرقانونی به این فرد مجوز داده یا خدمات ارائه کرده، برخورد شود. پیش‌بینی ما این است که حدود ۵۰۰ هزار ساخت‌وساز غیرمجاز در سطح کشور وجود دارد که مجوز وزارت جهاد کشاورزی را ندارد اما در بسیاری از موارد از شهرداری یا دهیاری مجوز گرفته‌اند.

این امر مخالف قانون نیست؟

همین‌طور است. این‌گونه مجوزها خارج از حیطه اختیارات آنهاست و دستگاه‌های مربوطه خلاف کرده‌اند. تا به حال ۲۰۰ شهردار، بخشدار، دهیار، یا مسئولان دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات را به مراجع قضائی به‌عنوان متخلف معرفی کرده‌ایم که بعضی از خدمت منفصل یا زندانی شده‌اند. در شش ماهه سال ۹۴ حدود پنج‌هزارو ۵۰۰ مورد از این‌گونه تخلفات تغییر کاربری را شناسایی کرده‌ایم که هزار و ۷۰۰ مورد را به دادگاه ارجاع داده و بقیه را خودمان اقدام به برخورد و تخریب آنها کرده‌ایم، چون اختیار قانونی داریم. سال گذشته هم حدود ۱۵هزار مورد شناسایی ساخت‌وسازهای غیرمجاز مربوط به گذشته داشتیم که با آنها نیز برخورد شده است. در سال ۹۳، ۹هزارو ۳۰۰ مورد را به دادگاه معرفی کرده‌ایم که تابه‌حال حدود سه هزار رأی صادر شده است. برای مثال فقط در شش‌ماهه اول سال ۹۴ بیش از دوهزار و ۴۰۰ مورد از ساختمان‌های غیرمجاز را تخریب و اراضی کشاورزی را آزاد کرده‌ایم. در واقع با جدیت به دنبال برخورد با این اتفاق هستیم.

آیا در برخورد با پدیده زمین‌خواری دچار اختلاف‌نظر با نهادهای پیگیر این موضوع نشده‌اید؟

مرجعی که به‌صورت قانونی این موضوع را پیگیری می‌کند ما هستیم و دیگران که پیگیری می‌کنند نمی‌توانند اعمال قانون کنند. یعنی اگر شهرداری، پروانه غیرمجاز صادر کرده باشد، سازمان امور اراضی می‌تواند او را به مراجع قضائی معرفی کند و اقدام ما هم طبق قانون حاکم است. یعنی اگر شهرداری، در خارج از محدوده شهر یا دهیاری، خارج از محدوده روستا پروانه صادر کند، تخلف کرده و ما بنایی که ساخته‌شده را می‌توانیم تخریب کنیم و هم علیه کسی که مجوز صادر کرده اعلام جرم کنیم یا اگر این نهادها امتیاز آب و برق و گاز داده باشند، شکایت مبنی بر تخلف آنها تنظیم می‌کنیم. با فشاری که آورده‌ایم تقریبا صدور پروانه‌های ساختمان غیرمجاز به‌شدت کاهش پیدا کرده است. در کنار آن چند اقدام دیگر را نیز پیگیری کرده‌ایم. به این خاطر فضا را به سمت پیشگیری از این اتفاق بردیم. در اولین قدم یک سازماندهی داخلی مشخص با برنامه تنظیم کردیم. همه استان‌ها را موظف کردیم که از این اتفاق جلوگیری کنند. به‌ویژه در مراکز جهاد کشاورزی در دهستان‌ها هر دو، سه‌هزار هکتار زمین را به یک کارشناس تحویل داده‌ایم که تمام اتفاقات را نظارت کند. دومین قدم این بوده که گشت‌های ویژه حفاظت اراضی تشکیل داده‌ایم. این اقدام را ابتدا در سال ۹۲ در ۱۵ شهر آغاز کردیم، در سال ۹۳ به ۱۳۰ شهر رساندیم و امسال این نوع نظارت را به ۳۰۰ منطقه خواهیم رساند که بخش عمده زمین‌های باارزش کشور هستند. در قدم بعدی به سراغ مردم رفته‌ایم و سامانه تلفنی ۱۳۱ را راه‌اندازی کردیم که مردم می‌توانند گزارشات خود را در حوزه تخلفات زمین، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، تغییر کاربری، تفکیک زمین و حتی اخذ مشاوره و انتقاد و شکایت اطلاع دهند. از طریق این سامانه روزانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ گزارش از مردم دریافت می‌کنیم که بخش عمده‌ای به اقدامات عملیاتی ما تبدیل و بخشی به دستگاه‌های دیگر انتقال داده می‌شود. هم‌زمان با دستگاه قضائی هماهنگ کرده‌ایم که این اختیار را داشته باشیم اگر متوجه ساخت‌وساز غیرمجاز شدیم، در مراحل اولیه بتوانیم خود وارد عمل شده و سازه موردنظر را تخریب کنیم. با وزیر کشور هم هماهنگ کردیم که بخشدارها، دهیارها و فرماندارها از دادن پروانه بدون هماهنگی ما منع شوند. همچنین با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز در رابطه با طرح هادی هماهنگ شده‌ایم. طرح هادی روستایی به‌نفسه برای سازماندهی و مناسب‌شدن محیط زندگی برای روستاییان طرح خوبی بوده، اما عده‌ای از این بخش سوءاستفاده کردند. چون روستاها محیط بکر و هوای خوبی دارند و خصوصا در محدوده اطراف تهران، تمام روستاهای این مناطق تبدیل به محیطی برای ساخت‌وسازهای ویلایی شده‌اند. یعنی زمین‌های کشاورزی را خریداری و قطعه قطعه کرده و می‌فروشند. بنگاه‌های معاملات ملکی غیرمجاز، تعاونی‌های مسکن دستگاه‌ها این کارها را دامن می‌زنند. به این خاطر روستاهای شمال کشور، اطراف استان تهران، استان البرز، قزوین، اردبیل و... تقریبا محلی برای ویلاسازی در باغات شده است. در منطقه دماوند که بهترین سیب دنیا را برای صادرات تولید می‌کرد، بخش عمده‌ای از باغ‌ها به ویلا تبدیل شده و حتی تعاونی برخی ادارات و دستگاه‌ها هم آنجا ساخته شده است. حدود ۴۰ درصد از ساخت‌وسازها در این مناطق در غالب تعاونی‌ها و شهرک‌ها بوده است. در شمال کشور این اتفاق خیلی رسم شده است. نمونه این اتفاق در شیراز هم تحت‌عنوان طرح فلاحت در فراغت رخ داده که زمین منابع طبیعی را قطعه‌بندی کرده و به عده‌ای داده‌اند که باغ درست کنند و به این ترتیب هزاران هکتار زمین مرغوب که می‌توانست محصول کشاورزی تولید کند، به باغ‌های کوچک و ویلا تبدیل شد. نتیجه این شد که برای مثال بیش از ۶۰، ۷۰ باغشهر در شیراز به وجود آمده است. در قزوین، زنجان و شهرهای شمالی کشور نیز چنین اتفاقی افتاده است که هیچ‌کدام مجوز شورای‌عالی شهرسازی و معماری را ندارند. اطراف دماوند، شهرک‌هایی با اسامی‌ای مانند نگین، هزاردشت، محمودیه و... ساخته شده است. اینها سوءاستفاده از طرح هادی یا بافت مسکونی روستا است. جالب است همین الان روستاهایی داریم که در آن زندگی برای روستایی سخت شده، چون روستایی می‌خواهد خانه بسازد، جایی را ندارد، می‌خواهد کشاورزی کند، دیگر زمین ندارد. چرا؟ چون عده‌ای از خارج روستا در آنجا برای استفاده‌های پاره‌وقت و موقتی خود ویلاسازی کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

هزینه‌های بالای بازتوانی

هدایت توکلی . مدرس مدیریت بحران

● از نقطه‌نظر مخاطرات طبیعی، بنابر گزارش جهانی کاهش خطر بلایا (۲۰۰۹) منتشره توسط ISDR، جمهوری اسلامی ایران در کلاس خطر هشت از ۱۰ قرار دارد. این امر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و خصوصیات توپوگرافیک ایران و آسیب‌پذیری بالای سازه‌ای و غیرسازه‌ای جامعه است که منجر به مرگ و صدمات بی‌شمار و سایر پیامدهای سوءسلامتی متعاقب مخاطرات طبیعی می‌شود. مرگ ناشی از مخاطرات طبیعی به‌طور متوسط سالانه حدود سه تا چهار هزار نفر تخمین زده می‌شود. با توجه به آسیب‌پذیربودن ایران در زمینه حوادث طبیعی و صنعتی، بررسی دوره بازگشت‌پذیری در کشور برای مردم و سازمان‌ها الزام‌آور است به‌دلیل اینکه هر چقدر دوره برگشت مردم در سازمان‌ها و سازوکارهای اقتصادی ناشی از بحران‌های احتمالی، طولانی‌تر باشد، هزینه برگشت به حالت عادی و زندگی روزمره در جامعه بالاتر خواهد رفت. اگر با تمرکز روی انسان و رفتارهای ناشی از بحران‌ها به موضوع بنگریم، موضوعی با نام بازتوانی پس از بحران نمود پیدا می‌کند که دوره بازگشت‌پذیری را با آموزش و بالابردن توان روحی و روانی مردم در آسیب‌های احتمالی کوتاه می‌کند و هزینه‌های اقتصادی را بی‌نهایت پایین می‌آورد. پس از وقوع حوادث طبیعی یا صنعتی، مدتی طول می‌کشد تا مشخص شود آیا جمعیت آسیب‌دیده به سوی زندگی مناسب حرکت می‌کند یا دچار افسردگی عمیق اجتماعی شده است. بیرون‌آوردن آنها از این افسردگی عمیق، کار بسیار مشکلی است در حالی‌که با یک‌سری آموزش‌ها می‌توان در زمان وقوع، جلو آن را گرفت. بسیار آسان‌تر خواهد بود چند سال بعد با ۶۰ تا ۷۰ درصد آدم‌هایی که دچار اختلالات روانی شده‌اند، مواجه شویم. زیرا هرچه اختلالات طولانی‌تر شود زمان و هزینه بیشتری مورد نیاز است تا بتوان آن را به حالت عادی برگرداند. به‌طور معمول به دنبال بحران‌هایی مانند حوادث طبیعی و صنعتی، افراد از مراحل مختلفی عبور می‌کنند که یکی از خطرناک‌ترین مراحل که بیشترین هزینه پس از بحران را می‌تواند به سازمان (جامعه) وارد کند، بازتوانی است که در بنگاه‌ها و سازمان‌های اقتصادی با عنوان تجدید سازمان نامیده می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۵

LEON
Since 1960
Respecting you is our business.

نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰ ۴۴ ۷۲ ۲۲

www.leon1960.com

higroupplus.com